

اصلاحات آموزش عالی ایالات متحده: ریشه ها و تاثیر انتخاب برنامه درسی دانشجویان

چکیده

بازبینی چارلز ویل الیوت از برنامه درسی از طریق سیستم انتخابی تأثیر قابل توجهی در آموزش عالی ایالات متحده داشته است. نگرانی های معاصر در مورد منابع محدود و "بهره وری" سعی کرده اند ارزش سرمایه گذاری در ارائه دوره های آموزشی و درجه بندی مختلف را مورد سوال قرار دهند. این خلاصه ای از سیستم گزینشی الیوت و تاثیر آن بر برنامه های آموزشی دانشگاهی ایالات متحده، است که یک دیدگاه تاریخی برای گفتمان معاصر در زمان اصلاحات، را نشان میدهد. سخنرانی گشایشی و معرفی سیستم انتخابی الیوت مورد بررسی قرار گرفت که شامل معرفی آن، چالش هایی که در طول اجرا رخ داده است، و مزایای آن برای تحصیلات عالی و جامعه ایالات متحده است.

1. اصلاحات آموزش عالی ایالات متحده: ریشه ها و تاثیر انتخاب برنامه درسی دانشجویان

در محدوده فعلی منابع محدود و "بهره وری" گفتمان که در آموزش عالی ایالات متحده نفوذ کرده است، سرمایه گذاری در دوره های مختلف و دوره های آموزشی توسط ناظران خارجی، مدیران، دانشکده ها و دانشجویان مورد سوال قرار گرفته اند. از منظر تاریخی، این مقاله بر روی سیستم انتخابی و اهمیت آن در برنامه درسی دوره ی کارشناسی در ایالات متحده تمرکز دارد، که از قرن نوزدهم آغاز شده و همینطور رو به جلو در حرکت است. برای مقابله با بحران های شدید در کاهش تعداد ثبت نام و همچنین کاهش دانش آموزان دوره های تحصیلی، سیستم، کلاس های کارشناسی برای تکمیل نیازهای درجه بندی شده، ارائه داده و راه حل مناسب آن، در اواسط سال 1800 پیشنهاد شد. علیرغم مقاومت چندین همکارش در کالج ها و دانشگاه های دیگر، چارلز ویلیام الیوت، با وظیفه دشوار دفاع از معرفی سیستم انتخابی مواجه شد، در حالی که به مخالفان این اطمینان را میداد که کیفیت برنامه درسی و یادگیری دانش آموزان را بهبود می بخشد. در نهایت، مدیریت الیوت در بازنگری برنامه درسی هاوارارد، ماهیت برنامه درسی تحصیلات عالی دانشگاهی آمریکا را تغییر میدهد و سیستم انتخابی، در حال حاضر، مورد نیاز دانشجویان دانشگاه آمریکا است.

2. اصول دیدگاه انتخابی

مباحث زیر در مورد سیستم انتخابی ایوت، زمینه ای تاریخی برای بحث های متداول در مورد ارزش پیشنهادات متنوع آموزشی، را ارائه می دهد. این تحلیل نشان داد معرفی سیستم انتخابی به آموزش عالی یکی از تحولات قابل توجه در آموزش عالی ایالات متحده است. سیستم انتخابی، یک مفهوم جدید برای دانشکده ها نبود زمانی که ایوت در سال 1869 آن را به تصویب رساند. جورج تاینور، عموی ایوت، دیدگاه انتخابی را در سال 1825 را معرفی کرد. همچنین رالف والدو امرسون، یکی از حامیان اصلی سیستم انتخابی، "انتقاد او را نسبت به استحکام برنامه درسی" (کارپنتر، 1951، ص 15) را مدیریت کرد و "تخصیص درسی زبان های مرده" را محکوم کرد. ایوت با الهام از تاینور و امرسون، مصمم به معرفی اصلاحات جامع تراز سیستم انتخابی قبلی، دادن آزادی به دانش آموزان برای انتخاب دوره ها، فراهم کردن فرصتی برای دانش آموزان برای به دست آوردن تمایز دانشگاهی و دادن فرصت به آنها برای مسئولیت پذیری خودمختار بودن، است. با حمایت دانیل سی گیلمن، رئیس دانشگاه جان هاپکینز، که دیدگاه های خود را در مورد سیستم انتخابی به اشتراک گذاشت، ایوت (1869) مراسم افتتاحیه خود، موارد زیر را گنجانده:

نوع تمدن مردم ممکن است از تنوع ابزارهای به کار گرفته شده توسط آنها، تعریف شود. هزاران سال بین تیشه های سنگی و فروشگاه های ماشین، زمان وجود دارد. همانطور که ابزارها افزایش پیدا کردند، هر کدام بیشتر با روشهایی خود را وفق دادند که با هدف منحصر به فرد خود سازگار بود. برای هر فرد، مراقبت، و بیشترین پیشرفت دانشکده خاص خود، صرفا مورد ملاحظه است. اما برای دولت، تنوع و نه یکنواختی محصول عقلانی است که مورد نیاز است. این اصول، توجیهات سیستم انتخابی است که بیست سال پیش در این دانشکده، توسعه یافته است.

سیستم انتخابی، دانش پژوهی را افزایش می دهد، زیرا باعث آزادی عمل در اولویت های طبیعی و توانایی های درونی می شود، برای کار انتخاب شده، اشتیاق ممکن را ایجاد می کند، به استاد کمک می کند و طرفدارو مشتاق برای حضور دانش آموزان است که مجبوره انجام کارهای غیر معمول شده اند، و دستورالعمل را با جایگزینی درسهای فراوان و مختلفی که برای کلاسهای کوچک و پر جنب و جوش داده شده است، و برای چند درس در بخش های مختلف کلاس های چندین بار تکرار شده است، توسعه میدهد. بنابراین، دانشکده پیشنهاد می کند که در تلاش های خود برای ایجاد، بهبود و گسترش سیستم انتخابی ثابت قدم باشند.

3. مقابله با ناسازگاری و دیدگاه های ترکیبی

اگر چه الیوت ، در گسترش سیستم اجرایی هاروارد با مخالفت فرقه ها، روسای جمهور و استادان مواجه شد و با سرعت کمی در حال تکامل بود، با این حال تأثیر پایداری در آموزش عالی ایالات متحده و در دانشکده ها و دانشگاه های امروزی داشته است. رئیس هاروارد، از سال 1869 تا 1909، و تعداد انگشت شماری از همکارانش از سیستم ارائه گزینه های انتخابی از طریق قوانین دولتی حمایت می کردند، اما اثرات قابل توجه و گسترده در نظام آموزش عالی تحقق نیافته بود که بعداً رخ داد. نه تنها شکل گسترده ای از برنامه درسی انتخابی، در خلال دهه های پس از جنگ داخلی، در مقابله با کاهش شدید ثبت نام و حفظ آن، به کار گرفته شد، در نهایت بسیاری از جنبه های دیگر عملکردهای دانشکده و دانشگاه را بهبود بخشید.

با اینکه معرفی سیستم انتخابی به طور انحصاری به موفقیت مجدد دانشگاه ها منجر نشد، اما به اصلاح دانشکده ها در دانشگاه ها، ایجاد دانشکده ها به عنوان واحدهای وابسته در دانشگاه ها و افزایش تعداد و نوع دوره های درسی، کمک کرد. این موضوع، تنوع رشته ها، دانشکده ها و بورس تحصیلی را رشد داد. انگیزه ی تولید برای توسعه تحصیلات تکمیلی؛ و ایجاد یادگیری عملی و حرفه ای برای جمعیت دانشجویان مختلف را ایجاد کرد. نتیجه نهایی با ایده های توماس جفرسون، اندرو جکسون و آبراهام لینکلن در ارتباط با فرصت های دسترسی و تحصیل برای افزایش بخشی از جمعیت ایالات متحده هماهنگ شده است. در کل، این موضوع، موسسات آموزش عالی را تغییر داد، آنها را از تجویزهای سختگیرانه ی برنامه های درسی قدیمی در دانشکده های خصوصی رهایی داد، و باعث تنوع در برنامه درسی و توانمندسازی دانش آموزان برای جستجوی حقیقت جدید و شکوفایی آموزش عالی شد.

الیوت (1869) در مراسم افتتاحیه نشان داد که دو کانون توجه برای سیستم انتخابی، فردی و دولتی وجود دارد: "برای فرد، تمرکز، و بالاترین رشد استعداد خود مورد ملاحظه است، اما برای دولت، تنوع است که مورد نیاز است، نه یکنواختی محصول عقلانی." (ص 40). هاوکینز (1964) یادآور می شود که تمرکز اصلی الیوت بر رشد دانش آموزان برای کمک به آینده جامعه است و نتیجه ثانویه این بود که سیستم انتخابی، تأثیر قابل توجهی بر نهادها گذاشت. در حالی که ایالات متحده در جستجوی تعریف «دانشگاه آمریکایی» بود، الیوت اهداف خود را بر روی «محیط آمریکایی

به عنوان یک نیروی شکل دهنده در رشد نهادها» تنظیم کرد. دانشگاه هایی مانند ییل، کورنل و جان هاپکینز تلاش می کنند پس از مدل های آلمان، با حفظ فرهنگ مذهبی خود، اختلاف قابل ملاحظه ای در مأموریت ها و هویتشان ایجاد کنند.

علیرغم ائتلاف بودجه بخاطر وابستگی های مذهبی، بسیاری از دانشکده های کوچکتر در غرب آسیا و شمال شرقی به شدت به محدوده های مذهبی برنامه های درسی کلاسیک پایبند بودند، زیرا در طول دوره بازسازی، تغییرات فراگیری در سراسر کشور رخ داد. به طور خاص، ایالات متحده برای ایجاد یک هویت جدید تلاش میکرد، و مسیر برای کشور ما به عنوان یک جامعه به طور عمده صنعتی متشکل از کارخانه ها، ماشین آلات و راه آهنها، این بود که بعد از طوفان تغییر، زنده بمانیم و سیستم انتخابی بعدا برنامه آموزشی منعطف تری را برای کمک به بیرون آمدن آمریکا از این کشمکش فراهم کرد.

الیوت و چندین استاد برجسته دیگر، نیاز اجتناب ناپذیری به تغییر در آموزش عالی و شروع تغییر در خودشان را حس میکنند. حفظ دانش آموزان و دانشجویان بعد از جنگ داخلی یک مشکل اساسی بود و باعث شد بسیاری از دانشکده ها بسته شوند. همانطور که اقتصاد کشور بهبود یافت و نمونه هایی از مردان خود ساخته شده فراوان شدند، نیاز درک شده برای تحصیلات عالی کاهش یافت. خانواده های ثروتمند که هنوز هم ارزشمند بودند و می توانستند از تحصیلات عالی برخوردار باشند، پسران خود را برای مطالعه علم به اروپا فرستادند؛ چون که در ایالات متحده به طور گسترده پیشنهاد نمیشد. بنابراین، پس از تصویب قانون موریل در سال 1862 و قبل از سخنرانی افتتاحیه الیوت در دانشگاه هاروارد، نیاز به تحصیلات عالی برای پاسخگویی به برنامه های درسی رقابتی و عملی، تاکید میشد.

با تأثیر بیشتر انتخاب های برنامه درسی، دانش آموزان فرصت تصمیم گیری بیشتر را در انتخاب پیشنهاد های جدید خود ارائه دادند. الیوت (1885) معتقد است ترجیحات آنها از یونانی یا لاتین به آموزش های تخصصی تر مانند "فرانسه، آلمانی، شیمی، فیزیک و زیست شناسی" و "منطق، اخلاق، تاریخ، اقتصاد سیاسی و استفاده از زبان انگلیسی در نوشتن و صحبت کردن استدلالی، تغییر کرده است. این پیشنهادات، جایگزین شد یا از الزامات دیگر کاسته نشد، اما به عنوان گزینه هایی برای برآورده شدن نیازهای مرحله ای، اضافه شدند و برای "دانشجویان وظیفه شناس و بلند پرواز" یا برای

آن هایی که ذوق زیادی برای مطالعات خاص دارند، طراحی شدند. بدین ترتیب، سیستم انتخابی، مکانیسم برنامه های آموزشی عالی را برای انطباق با علایق متغیر دانشجویان و نیاز نیروی کار تغییر یافته کشور، فراهم می کند.

با این حال، سیستم انتخابی نیاز به سرمایه گذاری بیشتر در زمینه ی ارائه دوره های متنوع داشت. الیوت (1908) استدلال کرد که: "واضح است که یک دانشگاه متعهد میشود که با همه ی موضوعات علمی، سر و کار داشته باشد، پس باید مجموعه های بسیار زیادی از دوره های مختلف را ارائه دهد، بنابراین انتخاب هر دانش آموز، دامنه وسیعی دارد. دانش آموزان می توانستند هر واحدی را با هر ترتیبی که می خواهند انتخاب کنند که منجر به محدودیت در استفاده از آنها میشد. صرف نظر از تغییراتی که در سیستم انتخابی ایجاد شده است، سیستم انتخابی بر برنامه های درسی مقطع کارشناسی ارجحیت دارد و می تواند در گزینه های توزیعی تحصیلی عمومی، و رشته های اصلی و فرعی، مشاهده شود. بسیاری از کسانی که به سیستم انتخابی مشکوک بودند، رؤسای عالی رتبه بودند و به شدت در جلسات عمومی درباره جنبه های زیادی در رابطه با برنامه درسی تجدید نظر شده به عنوان یک کاهنده ی آموزشی دراستاندارد دانشگاهی بحث میکردند. بقیه ی منتقدان، اعضای هیات علمی بودند. این منتقدان بیشتر به ارزش این دوره های انتخابی برای دانش آموزان و عموم علاقه مند بودند. با توجه به انتقاد تلین 2011 داریم:

الیوت تأکید کرد که کمکهای هاروارد به خدمات عمومی، روشن ساخت که چه چیزی مورد نیاز بوده و چرا لازم بوده است. به عنوان نشانه ای از تأکید او بر خدمات عمومی از طریق سیستم انتخابی، هدایای حاصل شده، نتیجه ی این بود که کمکهای مالی بین سال های 1869 و 1878 سه برابر شده و در بیست سال آینده مجدداً سه برابر شده است. از سال 1869 تا سال 1909، به عنوان شاخص واضحی از موفقیت بیانیه ی الیوت، مبنی بر اینکه سیستم انتخابی، اثرات اجتماعی مفیدی دارد، کمک های هاروارد 300 برابر افزایش یافت. این تأکید بر تأثیر آموزش و پرورش، نشانه ی اولیه نیاز به روسای دانشگاه بود تا اطمینان حاصل شود که اهدا کنندگان و نهادهای خارجی، ارتباط بین شهروندان تحصیل کرده و منافع مثبت جامعه را درک می کنند.

در حالی که تمرکز خدمات عمومی، به دفع اختلاف بیشتر، کمک کرد، اما تمام شک و تردیدهای بین منتقدان را حل نکرد. همانطور که Bastedo اشاره می کند، بسیاری از منتقدان ارزش برنامه درسی جدید را به عنوان نیاز به دانش

در زمینه های تخصصی مطالعه می بینند. با این حال، اختلاف نظر در میان منتقدان مانند رئیس دانشگاه شیکاگو، رابرت هاچینز، رئیس دانشگاه پرینستون، جیمز مک کوش و دانشگاه ییل، نوح پورتر، ادامه داشت تا بر نیاز دانش آموزان به دریافت یک آموزش حرفه ای لیبرال، دقیق و مشترک تاکید کنند که به نفع خود و جامعه باشد. در نهایت، این دیدگاه ها، بر توسعه ی یک برنامه درسی آموزشی عمومی تأثیر گذاشت تا ذهن دانش آموزان را بسط دهد. اگرچه در ابتدا برای یک دانش آموز نخبه، سیستم انتخابی تأثیر مثبتی داشته است، همانطور که جمعیت دانش آموزان متنوع تر شده است. معرفی زنان و دانش آموزان آفریقایی-آمریکایی در قرن 19، باعث تغییرات گسترده در برنامه درسی دانشکده شد. در مجموع، دانشکده ها، تلاش های زیادی برای جلوگیری از مسئله آموزش و پرورش انجام دادند تا زمانی که فشارهای ایجاد شده آنها را مجبور به سازش کرد. برای مثال، هاروارد، دانشجویان دختر را در سال 1874 در پاسخ به فشارهای فزاینده ای از جانب گروه های زنان مانند انجمن آموزش زنان بوستون، پذیرفت، که به موجب آن، شرکت هاروارد، آزمونهایی را برای زنان پیشنهاد داد که توسط اساتید هاروارد، درجه بندی شده بود. همانطور که سلیمان (1985) تأکید می کند، "بین سال های 1870 و 1915، در مدارس مختلف، تغییرات اساسی و فزاینده ای در برنامه درسی دانشکده صورت گرفت و گزینشی ها تبدیل به ابزاری شدند که بوسیله آنها، دانشکده ها، دانش آموزان را با نیازهای آموزشی مختلف که برخی از آنها مربوط به آمادگی آنها و بقیه برای انتظارات آینده آنها بود، سازگار میکرد. بر اساس نظر سلیمان، نسبت درصد زنان از کل جمعیت دانشکده، از 21.0 درصد در سال 1870 به 39.6 درصد در سال 1910 افزایش یافت و در سال 1920 47.3 درصد رشد کرد. با این تغییر سریع در جمعیت دانشجویان، سیستم انتخابی، وسیله ای برای موسسات برای تطبیق برنامه های درسی دانشجویان مختلف شد.

گاف و همکاران، 1997، یکی از بحث های مربوط به "درک دانش واحد"، را ارجاع دادند، جایی که "آنها استدلال کردند که به این دلیل که دانش ویژگی های واحدی را نشان میدهد، همه دانش آموزان باید آموزش دوره ای و دانش مشترک، را در آن حوضه ی علمی خاص، داشته باشند. با این حال، Bastedo (2016) در پاسخ به سوال طولانی بحث شده اشاره می کند: که " دانشجویان دانشکده چه چیزی باید یاد بگیرند که به عنوان اعضای تحصیل کرده ی

جامعه، باشند؟ معرفی سیستم انتخابی، دانش آموزان را با محدودیت انتخاب دوره های درسی روبرو می کند که بتواند به بهترین شکل با علایق درسی و تحصیلی آنها، در تناسب باشد.

4. تاثیرات فعلی و آینده در آموزش عالی و جامعه

بیش از 150 سال پس از اینکه الیوت، توسعه کامل سیستم انتخابی را پیشنهاد داد، قانونگذاران، مدیران، و گروه های ذینفع عمومی، در سطوح ایالتی، منطقه ای، فدرالی، به بازبینی کارایی برنامه درسی انتخابی در محیط هنرهای لیبرال، زمان اتمام تحصیلات، نگهداری و انتقال دانش آموزان، را ادامه دادند. از نظر دیدگاهی که ریشه در عصر صنعتی دارد، مدل های خروجی فارغ التحصیلان و ارائه برنامه های درسی محدودکننده، موضوع مذاکرات ملی در مورد اصلاحات آموزش عالی در دهه های اخیر بوده است و فشار برای افزایش تعداد برنامه ها و دوره های ارائه شده افزایش یافته است. این همچنان موضوع مهم بحث است.

امروز، درخواست های بین المللی برای اصلاحات آموزشی نیاز به برنامه ی آموزشی انعطاف پذیر برای دانشکده ها و دانشگاه ها دارد تا سریعاً به نیاز همیشه در حال تغییر نیروی کار، پاسخ دهد. در حالی که برخی ممکن است استدلال کنند که ارائه دوره های متنوع در زمینه های تحصیلی پر هزینه است، ولی دوره های انتخابی همچنان دانش آموزان و مشاوران خود را به میزان معینی از انعطاف پذیری میرساند و انتخاب برنامه های درسی را افزایش می دهد که توانایی انطباق دانش آموزان را بیشتر میکند و به درخواست نیروی کار پس از فارغ التحصیلی، پاسخ میدهد. در برنامه فعلی دوره لیسانس، دوره های انتخابی ضروری است تا دانش آموزان و مشاوران آنها بتوانند راه کارآمدتری را برای تکمیل آموزش خود انجام دهند. از اولین اظهار نظر الیوت در مورد هدف خدمات عمومی در آماده سازی دانش آموزان به عنوان نیروی کار جدید، به نتیجه گیری Bergeron میرسیم که سیستم انتخابی در حال حاضر برای تجربه دوره ی کارشناسی ضروری است، سیستم انتخابی همچنان نقش مهمی را در ایجاد تجربیات آموزشی مدون انطباقی و پاسخگویی به رفع نیازهای در حال تغییر جامعه ایفا می کند. همانطور که جهان همچنان به سمت مسیرهای افزایش تخصص و جهانی شدن حرکت می کند، افزایش انعطاف پذیری تجربیات آموزشی دانش آموزان نیز باید ادامه یابد. دمینام (2002) این موضوع را با یک مثال نشان میدهد که: «به سادگی، فارغ التحصیلان آماده نخواهند شد تا نیاز نیروی کار قرن

بیست و یکم را بدون نیاز به انتخاب در روابط بین المللی، مالی، سیاسی و اجتماعی، را فراهم کنند. همانطور که جریان های اقتصادی، مالی و سیاسی به سوی جهانی سازی و بین المللی سازی حرکت می کنند. جستجوی اینترنتی نشان می دهد مدرک های مورد نیاز در دوره های کارشناسی و فارغ التحصیل های متعدد در سطح ملی و بین المللی، نشان دهنده پذیرش وسیع برنامه های آموزشی و انطباق برنامه های درسی است که شامل مهارت های قرن بیست و یکم می شود.

برنامه درسی کارشناسی باید همچنان به تکامل برسد تا به نیازهای جامعه جهانی و منطقه ای پاسخ دهد یعنی حفظ دانش و مهارت هایی است که برای یک جامعه دموکراتیک ضروری است. به عنوان مثال، در دانشگاه ییل، استفاده از دوره های کارشناسی، نشان دهنده نوعی انتخاب گزینشی برای "برنامه درسی چالش انگیز و تجربه متداول آهنگر لیبرال" است. در حالی که آنها به عنوان دوره های انتخابی نشانه گذاری نشده اند، ساختار و همچنین انتخاب دانش آموز را برای تحصیلات کارشناسی، فراهم می آورند. در مثال بعدی، "دانش آموزان براون به دنبال ایجاد هسته خودشان هستند که توسط مشاوران و مجموعه ای از اصول یا آرمان های یادگیری لیبرال، هدایت می شوند همچنین می توانند دوره های خود را از طریق یک برنامه مستقل مطالعه ای غیر معمول تحت نظارت دانشکده " ایجاد کنند. او ادامه می دهد که نظر دانش آموزان این بود که دوره های این برنامه ی انتخابی یک ساله تأثیر عمیقی بر آنها داشته است. علاوه بر این، با ظهور "یادگیری شخصی"، یک گفت و شنود دائمی در مورد زمینه های برنامه درسی انتخابی و اجزای مورد نیاز آن، وجود خواهد داشت. دنام (2002) معتقد است که برنامه درسی انتخابی، جزء جدایی ناپذیر برنامه های آموزشی در سطح جهانی است، در حالی که همچنان به گفت و گوهای بحث برانگیز در همه سطوح ادامه می دهد. این تنش بین اجزای برنامه درسی دانشجویان، دانشکده ها و جامعه، توانایی تحریک پاسخگویی و بهبود برنامه درسی ارزشمند را دارد.

5. نتیجه گیری

بازبینی سیستم انتخابی، محدوده و بزرگی که در تبدیل برنامه های درسی آموزش عالی ایالات متحده در 150 سال گذشته داشته است را آشکار میکند. سیستم انتخابی به طور چشمگیری از دیدگاه الیوت استنتاج شده است، اگرچه

دیدگاه یک برنامه درسی مرتبط و انطباق پذیر، همچنان نیروی است که بر انتخاب دانشجویان و برنامه های تحصیلی انتخابی آنها تأثیر می گذارد. کسانی که خواستار بازگشت به برنامه های آموزشی بسیار پیچیده برای دستیابی به «بهره وری» می شوند، "ممکن است تجربه تحصیلی غیر مرتبط و غیر منطقی را بیابند، که نمیتواند دانشجویان را برای مشارکت و رهبری در قرن 21 آماده کند.

اگرچه عمومی ایوت، جورج تایکور، ابتدا ایده انتخابی را در سال 1825 معرفی کرد، اما ایوت مسئول کامل کردن و گسترش سیستم انتخابی به عنوان یک برنامه قابل اجرا بود. از دیدگاه عملی، بینش او، از طریق تحقیق علمی، آموزش عملی را پرورش داد. او یک برنامه درسی ایجاد کرد که بیشتر به علاقه دانش آموزان پاسخ داده و ثبت نام را افزایش میداد.

از آنجا که با تکامل بیشتر برنامه درسی، از طریق سابقه ی تحصیلات عالی آمریکا، سیستم انتخابی ایوت با مقاومت قابل ملاحظه ای روبرو شد، دهها سال طول کشید تا برنامه های آموزشی عالی را دوباره شکل دهیم. با این حال، این موضوع، تأثیر پایداری بر تعریف مجدد نظام آموزش عالی در ایالات متحده داشته و امروز هم مشهود است. در نهایت، سیستم انتخابی، دانشکده ها را به دانشگاه ها تبدیل کرد، در ارائه دوره ها، تنوع ایجاد کرد، مکانیسمی برای عملی کردن اراده ی دانش آموزان ایجاد کرد، و به نیروی کار درخواستی پاسخ داد و فرصت های تحصیلی را افزایش داد. علاوه بر این، با افزایش برنامه های تحصیلات تکمیلی، تعداد بیشتری از استادان جذب شدند و آموزش های حرفه ای برای دانش آموزان در زمینه های متنوع ایجاد شد تا دسترسی برابر به آموزش را برای همه دانش آموزان فراهم آورد. سیستم انتخابی، موسسات کارشناسی ارشد را برای پاسخگویی به نیاز فعلی و آینده ایالات متحده، از نو تعریف کرد و آنها را از برنامه های محدود شده چند دانشکده خصوصی، به سوی آماده سازی دانش آموزان با گزینه تحقیق از طریق انتخاب دوره های انتخابی و جستجوی دانش جدید و حقیقت در دانشگاه های دولتی و فدرال، حرکت داد.

این تحقیق، زمینه ای تاریخی برای بحث فعلی برای ایجاد "بهره وری" بیشتر در آموزش عالی ایالات متحده است. سیستم انتخابی ایوت تنوع در ارائه برنامه های آموزشی را ایجاد کرد که ممکن است به دلیل این تصورات از دست رفته باشد که ارائه دوره های کمتر با ثبت نام های بیشتر و محدودیت های انتخابی در برنامه های آموزشی، ارزش

بیشتری را در مقابل سرمایه گذاری دولت فدرال در آموزش عالی به دست می آورد. با این حال، در یک دوره مشابه از عدم قطعیت ملی و مالی، الیوت (1869) اظهار داشت که نهادها امروزه با موضوع زیر مواجه هستند: برای دولت، تنوع و نه یکنواختی محصول عقلانی، مورد نیاز است. با توجه به شرایط فعلی تغییرات سریع جهانی و عدم اطمینان مالی، ادعای الیوت در بحث ملی در مورد سوالات اساسی، مربوط به هدف آموزش عالی ایالات متحده است. از این بررسی، واضح است که سیستم انتخابی یک عنصر ضروری برای موفقیت آموزش عالی ایالات متحده به عنوان یک مولفه ضروری برای ایجاد شهروندان تحصیل کرده در طول قرن 21 و فراتر از آن است. انطباق و بهبود برنامه درسی مستمر، شبیه به سیستم انتخابی است، که باید متمرکز بر بحث های سالم و گفتگوهای پرثمر در میان دانش آموزان و اعضای هیات علمی، مدیران و سیاست گذاران در سطح ملی و بین المللی برای حفظ آموزش عالی به عنوان یک مسیر علمی انعطاف پذیر و کارآمد برای دانشجویان و جوامع آنها باشد.